



Manifestation of Dhikr in Islamic-Iranian Architectural Space through Gospel and Warning; A Case study of Mosques of Islamic-Iranian Architecture

ARTICLE INFO

Article Type

Analytical Review

Authors

Shakeri M.¹ MA,
Bemianian M.R.*¹ PhD,
Ansari M.¹ PhD

How to cite this article

Shakeri M, Bemianian M.R, Ansari M. Manifestation of Dhikr in Islamic-Iranian Architectural Space through Gospel and Warning; A Case study of Mosques of Islamic-Iranian Architecture. Naqshejahan- Basic studies and New Technologies of Architecture and Planning.2018;8 (2):71-79.

¹Architecture Department, Arts Faculty, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran

*Correspondence

Address: Tarbiat Modares University, Nasr Bridge, Jalal-Al-Ahmad Highway, Tehran, Iran
Phone: 02182883711
Fax: -
bemianian@modares.ir

Article History

Received: April 07, 2018
Accepted: August 06, 2018
ePublished: September 22, 2018

ABSTRACT

Introduction While influenced by the needs people around it, the environment also affects the formation of particular behaviors and subsequent changes in their thoughts. In this way, the environment can act as a reminder space, and according to Islamic view, the sense of divine presence, or the presence of God, should be pointed out to man. Dhikr here is the reminder of the name of God in the heart and mind of man, who has been ordered to be in all moments of life. The aim of this study was to study the manifestation of Dhikr in the space of Islamic-Iranian architecture through gospel and warning. In this study, with the direct conception of the Qur'an and the use of great interpretations, all the verses related to Dhikr, Bashir and Nazir were extracted. The research method was exploratory-interpretive and content analysis, in which equivalent concepts were explained with logical reasoning.

Conclusion There are various levels of gospel and warning, and to make reminder, the importance of warning is more than gospel. In the context of the Dhikr and the addressee, it is possible to create the reminder space to the addressee through gospel and warning. It seems that by dividing the levels of Dhikr into three levels, the first level consists of warning, the second level consists of gospel and warning, and the third level is only related to gospel, which is expressed in various verses of Qur'an with various addressees. On the other hand, if we consider the architectural space as a combination of motion and stillness, warning and gospel are often used in motion and stillness, respectively. Thus, the architecture space can be designed from the beginning to the end with a range of warning and gospel with the mentioned concept, so that ultimately when it reaches the atmosphere of peace and tranquility, a level of sense of consciousness and sense of presence is perceptible for the audience.

Keywords Dhikr; Islamic Architecture; Gospel; Warning

CITATION LINKS

- [1] The relation between meaning and face in explaining ... [2] Al-'Ayn book ... [3] Encyclopedia of the arts and sciences (Musu'a Kashshaf ... [4] Vocabulary in the strange Quran (al-Mufradat fi ... [5] The semantic of dhik'r (remembrance) in the ... [6] The balance in interpretation of Quran (al-Mizan ... [7] Tasnim ... [8] Islamic urban planning and architecture ... [9] Hidden map, achievement of religious beliefs ... [10] Creating architectural theory: The role of the ... [11] A theory of cognitive ... [12] Exploration in cognitive ... [13] The ecological approach to visual ... [14] A theory of meaning in architecture and urban ... [15] Environmental psychology, new knowledge in the service of ... [16] The sense of presence is the most desirable result ... [17] The Cambridge dictionary of ... [18] The Oxford companion to ... [19] Introduction to Indian ... [20] Fitra ... [21] Tasnim ... [22] Guidance in Quran ... [23] Life of Prophet (s) in ... [24] Head spring of thought the Quranic ... [25] Responsive ... [26] Analyzing and designing urban ... [27] Gospel and warn in Qoran and Old Testament according ... [28] Introduction to the ... [29] The analysis of the structure of the speech act of warning in the Holy ... [30] The Holy Quran in the eye of Imam ... [31] The sense of unity: The Sufi tradition in Persian ... [32] Imagination faculty and imaginal world in thoughts of Imam ... [33] Phenomenology of places: Principles and ... [34] The city of vigilance, principles, methods ... [35] Tasnim ...

تجلی ذکر در فضای معماری اسلامی- ایرانی از طریق بشارت و انذار؛ نمونه موردی: مساجد معماری اسلامی ایران

موسی شاکری MA

گروه معماری، دانشکده هنر، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

محمدرضا بمانیان* PhD

گروه معماری، دانشکده هنر، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

مجتبی انصاری PhD

گروه معماری، دانشکده هنر، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

چکیده

مقدمه: محیط ضمن آن که متأثر از خواسته‌های اهل خویش است، در شکل‌گیری رفتارهای خاص و به‌دنبال آن بر تحولات اندیشه‌های آنها نیز تأثیر می‌گذارد. بدین‌ترتیب محیط می‌تواند به‌عنوان یک فضای متذکر عمل کند و مطابق دیدگاه اسلامی حس حضور الهی یا همان قرارگرفتن در محضر الهی را به انسان متذکر شود. ذکر در اینجا یادآوری نام خدا در قلب و ذهن انسان است که در تمام لحظه‌های زندگی به داشتن آن سفارش شده است. هدف پژوهش حاضر بررسی تجلی ذکر در فضای معماری اسلامی- ایرانی از طریق بشارت و انذار بود. در این پژوهش با برداشت مستقیم از قرآن و استفاده از تفاسیر مطرح، تمامی آیات مربوط به واژه‌های ذکر، بشیر و نذیر استخراج شد. روش تحقیق به‌صورت اکتشافی- تفسیری و تحلیل محتوایی بود که با استدلال منطقی، مفاهیم معادل تبیین شد.

نتیجه‌گیری: سطوح مختلفی از بشارت و انذار وجود دارد و اهمیت انذار برای ایجاد تذکر بیش از بشارت است. در رابطه ذکر و مخاطب، می‌توان از طریق بشارت و انذار فضای متذکر را برای مخاطب به وجود آورد. به نظر می‌رسد با تقسیم سطوح تذکر در سه سطح، سطح اولیه شامل انذار، سطح دوم شامل بشارت و انذار و سطح سوم فقط مربوط به بشارت است که این موضوع در آیات قرآن با مخاطب‌های مختلف بیان شده است. از طرفی اگر فضای معماری را ترکیبی از حرکت و سکون بدانیم، انذار بیشتر در فضاهای حرکتی و بشارت غالباً در فضاهای سکون کاربرد دارد. بدین‌ترتیب فضای معماری می‌تواند از ابتدا تا انتها با طیفی از انذار تا بشارت با مفاهیم مطرح‌شده، طراحی شود تا در نهایت که به فضای آرامش و سکون می‌رسد، سطحی از احساس خودآگاهی و حس حضور برای مخاطب قابل ادراک باشد.

کلیدواژه‌ها: ذکر، معماری اسلامی، بشارت، انذار

تاریخ دریافت: ۹۷/۱/۱۸

تاریخ پذیرش: ۹۷/۵/۱۵

*نویسنده مسئول: bemanian@modares.ir

مقدمه

با اذعان به تأثیرات متقابل انسان و محیط، مشخصات فضای موثر (متذکر) اهمیت می‌یابد. در طیف گسترده عوامل محیطی موثر بر فعالیت و رفتار انسان، فضای معماری می‌تواند در شکل‌گیری رفتارهای خاص و به تبع بر تحولات اندیشه‌های او تأثیر بسزایی داشته باشد.

از طرفی هیچ مکان یا شیء فقط به مکان و قلمرویی خاص دلالت نمی‌کند بلکه بالاتر از آن به محتوایی که در آنجا محیط شده و به محتوای اصولی که آن را خلق نموده نیز اشاره می‌نماید[۱]. بدین‌ترتیب فضای معماری با قابلیت ایجاد یک فضای متذکر، می‌تواند حس حضور الهی یا همان قرارگرفتن در محضر الهی را به انسان متذکر شود. البته فضای متذکر حوزه وسیعی از مفهوم تذکر را دارد و همچنان که ذکر در قرآن دارای مراتبی است، به تبع آن فضای متذکر نیز سطوح مختلفی از ادراک سطحی (ادراک سطحی شامل کلیه افراد است و با حداقل آمادگی لازم برای ورود به حوزه تذکر صورت می‌گیرد) تا عمیق را شامل می‌شود.

هدف پژوهش حاضر بررسی تجلی ذکر در فضای معماری اسلامی- ایرانی از طریق بشارت و انذار بود. در این راستا به رابطه ذکر و مخاطب پرداخته شد که مطابق آیات قرآن، شیوه بشارت و انذار برای متذکرکردن مردم (مخاطب) توسط انبیا به کار رفته است. در پژوهش حاضر ابتدا با تعریف جامعی از ذکر و مراتب مختلف آن، به بیان دامنه کاربرد تذکر در عوالم وجود پرداخته شد، سپس با توضیح فضای متذکر، اهمیت و ضرورت آن و شیوه‌های مختلف ذکر در رابطه با مخاطب بیان شد. با توجه به این که مبنای این پژوهش، رجوع به قرآن از طریق تفاسیر معتبر بود، جستجوی صورت‌های مختلف کلمه ذکر و کلمات وابسته مثل بشیر و نذیر در قرآن کریم انجام شد. با بررسی آیات مستخرج و با روش استدلال منطقی، آیاتی که به مفاهیمی از فضای معماری مرتبط بودند، انتخاب شدند. روش پژوهش اکتشافی- تفسیری و تحلیل محتوایی بود که با استدلال منطقی، مفاهیم معادل استخراج شد.

ذکر، مراتب و اهمیت آن

"ذکر" در لغت به معنای حفظ، تلفظ‌کردن، شرافت، کتب انبیا، نماز و دعا آمده است. تذکر از "ذکر" گرفته شده و به معنای طلب‌کردن چیز از دست‌رفته است[۲]. در فرهنگ اهل عرفان به حالت خروج از میدان غفلت و دخول در فضای مشاهده "ذکر" گفته می‌شود[۳]. راعب می‌گوید: "گاهی مراد از ذکر هیات نفسانی است که شخص به‌واسطه آن می‌تواند آنچه از دانایی به دست آورده را حفظ کند و آن مانند حفظ است به‌جز آن که حفظ به اعتبار نگه‌داشتن و ذکر به اعتبار حاضرکردن آن در ذهن است"[۴].

این واژه در قرآن گستره معنایی وسیعی دارد و می‌توان واژه‌های یادآوردن و یادکردن را معنای حقیقی ذکر، دیگر معانی از قبیل شرف، نماز، دعا را از معانی فرعی این واژه و واژگانی مانند اهل کتاب، تورات، قرآن و غیره را از مصادیق آن دانست که بر اثر هم‌نشینی معنایی کاربردی پیدا کرده‌اند. در واقع جامع‌ترین معنی که بیشترین کاربرد را نیز در قرآن دارد، همان یادآوری و حضور شیء در نزد ذاکر است و سایر معانی به‌نوعی به همین معنی برمی‌گردند[۵].

به‌طور کلی از تفاسیر چنین برداشت می‌شود که ذکر سه مرحله دارد: یکی، ذکر لفظی و توجه ظاهری که بر زبان جاری می‌شود که نازل‌ترین نوع ذکر و توجه است. دوم، ذکر قلبی و خفی که انسان درون خود به خدا و صفات او توجه می‌کند و سوم، ذکر حقیقی و شهودی است که مراد از آن فراموش‌کردن خود و غرق‌شدن در ذات خدا و صفات جمال و جلال او است. بدین‌ترتیب توقف‌کردن در مرحله اول اگرچه خود ذکر است، ولی در عین حال نسبت به مرحله دوم و سوم فراموشی به حساب می‌آید[۶].

از طرفی برای هر یک از احکام الهی، وقت و مقدار مشخصی تعیین شده و خداوند در هیچ حکمی دستور کثرت نداده جز ذکر که درباره آن می‌فرماید: "فراوان به یاد خدا باشید؛ یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اذْكُرُوا اللَّهَ ذِكْرًا كَثِيرًا" (احزاب ۴۱). بنابراین یاد خدا حدی ندارد و این نشان اهمیت ویژه ذکر اوست. بالاترین اثر ذکر که ممکن است پس از اثرات بصیرت و بینایی در دنیا و آخرت و یادکردن خداوند از انسان ظاهر شود، "آرامش" است. آیه شریفه "الذین آمنوا و تطمئن قلوبهم بذكر الله ألا بذكر الله تطمئن القلوب" (رعد ۲۸) به این مطلب مهم هشدار می‌دهد که آگاه باشید که تنها عامل و راه آرامش قلب، یاد خداست[۷]. بدین‌ترتیب اهمیت ایجاد فضای متذکر که به ظهور ذکر الهی منجر شده، مشخص می‌شود. به عبارت دیگر مفهوم

در سطوح محیط کالبدی می‌تواند به محیط معنا بخشد^[14]. سه سطح از قابلیت در محیط و فضای معماری توسط ناظر قابل تفکیک و تشخیص است^[15]. این قابلیت‌ها، قابلیت‌هایی هستند که مردم نیاز دارند تا به گونه‌ای فیزیکی با محیط تعامل پیدا کنند. این تعامل فیزیکی یا کالبدی نیازهای اساسی مردم را مانند راه رفتن، خوردن، خوابیدن و غیره تامین می‌نماید. دوم قابلیت‌هایی که مردم برای ارتباطات و تعاملات اجتماعی و ارتباط میان‌فردی به آنها نیازمندند، در این سطح قابلیت‌های فضاهای معماری واسطه‌ای برای رمزگذاری و رمزگشایی است. دسته سوم قابلیت‌هایی هستند که مردم برای ارضای خواهش‌ها، تعاملات نمادین و رمزگونه به‌همراه ویژگی‌های فرهنگی و روحانی از محیط انتظار دارند. به نظر می‌رسد این تقسیم‌بندی مشابه دسته‌بندی شکل ۱ است. به عبارت دیگر فضای متذکر در محدوده قابلیت‌های دسته دوم و سوم کاربرد داشته و می‌تواند سطح نیازهای عملکردی و معنایی فضا را از طریق تذکر موضوعات معنوی ارتقا بخشد. بدین ترتیب انسان متذکر و آگاه با احساس حضور در محضر الهی، کمتر از افراد غافل به خطا و کجروی متمایل می‌شود.

در متون اسلامی برترین و پست‌ترین حالات شناخته شده برای انسان شامل "متذکر بودن" و "غافل بودن" است که در واقع می‌توان گفت بهترین فضا، فضایی است که بتواند انسان را آگاه و متذکر نگاه دارد، از غفلت و چهل دور نماید. بدترین فضا جایگاه غفلت‌زا است^[16]. در یک محیط مطلوب، حالت بهینه وقتی است که القایات ناشی از تذکر یادآور موضوعات معنوی، کیفی، هدایت و کنترل نیازها و رفتارهای مادی و در حقیقت، رعایت جامعیت زندگی و به‌ویژه عدم غفلت از ساحت معنوی و روحانیت حیات را به دنبال داشته باشد.

دلیل اصلی نیاز انسان به تذکر مترتب بر وجود فطرتی است که خداوند در وجود او نهاده است. هرچند گروهی اساساً آن را نفی نموده‌اند اما نظریه عمومی‌تری است که همه انسان‌ها را از عنصری جوهری برخوردار می‌داند که گاهی به‌صورت ثابت تنها در طبیعت خالص دوران کودکی یا انسان‌های اولیه فرض شده و گاهی نیز به امری متغیر نتیجه تاثیرات محیطی و ویژگی زیستی تعبیر شده است^[17, 18]. در بسیاری از مکاتب شرقی نیز سرشت انسان امری ثابت و جاودانه معرفی شده که غیرقابل تغییر است^[19].

در مجموع نظرات مطرح شده، می‌توان گفت که فطرت انسانی دو نوع است: یکی در ناحیه شناخت‌ها که به آن فطرت ادراکی گفته می‌شود و دیگری در ناحیه خواسته‌های انسانی که به آن فطرت روحی یا احساسی گفته می‌شود که خواسته‌های حسی همان خواسته‌های غریزی انسان است و خواسته‌های روحی به امور روحی و معنویات مربوط می‌شود^[9]. این خواسته‌ها یا گرایش‌های روحی در پنج دسته شامل گرایش به خیر و فضیلت، گرایش به حقیقت، گرایش به زیبایی، گرایش به خلاقیت و گرایش به پرستش تقسیم‌بندی شده است^[20]. به نظر می‌رسد که گرایش اصلی فطرت انسان، پرستش خداوند است و وظیفه اصلی تذکردهی که همان بیداری فطرت است به این جنبه آن اشاره دارد.

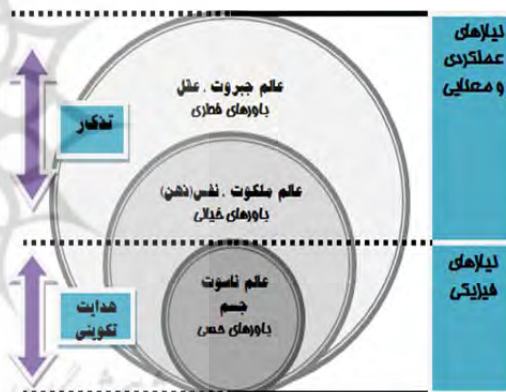
سه نظریه در مورد فطرت ادراکی وجود دارد: اول این که همه علوم اکتسابی است و معلومات فردی وجود ندارد. به اعتقاد اینان لوح ضمیر انسان از بدو تولد پاک و بدون نقش است و انسان با حکم حواس، دل و عقل خود روی آن می‌نویسد (نظریه ارسطویی). نظریه دوم معروف به نظریه افلاطون است که معتقد بود انسان همه چیز را از بدو تولد می‌داند و روح انسان قبل از بدن در دنیای دیگری وجود داشته است. به اعتقاد اینان تعلیم نوعی تذکر و یادآوری

آرامش انسانی که به‌عنوان هدف نهایی از فضای معماری مطرح می‌شود، به فرموده خداوند فقط از طریق یاد او به دست می‌آید که فضاهای متذکر می‌تواند گام مهمی در این زمینه محسوب شود.

شناخت حوزه کاربردی ذکر

برای انسان سه ساحت حیات وجود دارد شامل جسم، ذهن (نفس) و روح که عامل اول همان کالبد ظاهری انسان و عامل دوم و سوم به معنا و باطن (با درجات مختلف) تعبیر می‌شود^[8]. در قلمرو جسم انسان (عالم ناسوت) باورهای ریشه‌دار در حس و تجربه شکل می‌گیرند و هدایت و آموزش زمینه‌ساز ایجاد فضای معماری بوده که نیازهای کالبدی مانند ابعاد، تناسبات و مصالح مطرح می‌شوند. در قلمرو درک نفسانی (ذهنی) باورها در خیال ریشه دارند (عالم ملکوت) و مقولاتی همچون ادراک روانی و ذهنی انسان از فضای معماری مورد نظر خواهد بود و در نهایت در قلمرو معنای باطنی (عالم جبروت)، باورهای انسان در عقل و فطرت ریشه دارند و سبب‌ها (و نه نشانه‌های قراردادی)، رموز و معانی معنوی مطرح هستند^[9].

در این میان انسان در رفع نیازهای جسمی از طریق غرایز هدایت (هدایت تکوینی) شده و نیازی به تذکر و یادآوری ندارد اما در حرکت به سوی رفع نیازهای روحی و روانی، غالباً بر اثر غفلت راه انحرافی را طی نموده که در این محدوده انسان به تذکر نیاز داشته و هدایت آن از نوع تشریحی است (شکل ۱).



شکل ۱) عوالم سه‌گانه باور انسان و حوزه لزوم تذکر (نکارندگان)

فضای متذکر

اطلاعاتی که از محیط کسب می‌شوند خواصی معنا بخش دارند. ارزش‌ها و خواص زیباشناختی را افراد به محیط می‌دهند، زیرا انسان نیاز دارد محیط را به‌عنوان الگویی از روابط با معنا تجربه کند^[10]. این که مردم چه چیزی از محیط را خوشایند می‌یابند به نگرش آنها و چگونگی رشد این نگرش‌ها بستگی دارد. نگرش، ترکیبی از اعتقاد و ارزش آن چیز است. مردم برای ایجاد سازگاری شناختی در نگرش به خویشتن و محیط‌های اجتماعی و کالبدی تلاش می‌کنند^[11, 12]. این رابطه اهمیت نگرش به مرجع و تاثیر آن بر درک نگرش‌های مردم به معانی نمادین محیط ساخته شده را نشان می‌دهد.

از طرفی محیط برای تامین تجربه‌ها و رفتارهای انسان توان بالقوه‌ای دارد. از نگاه جیمز گیبسون^[13] قابلیت‌های محیط آن چیزی است که محیط به موجود زنده ارائه کرده و به او پیشنهاد می‌نماید. انسان از طریق تعامل با محیط و تغییر در قابلیت‌های آن، سعی در دستیابی به نیازهای خویش دارد و از طریق تغییرات



شکل ۲) سطح‌بندی افراد در بشارت و انذار مطابق قرآن و مفاهیم معادل معماری در هر سطح (نگارندگان)

انذار و رابطه آن با تذکر

"نذر" واجب‌کردن امری بر خود است که برای پدیدآمدن امری واجب نیست. نذر در لغت به معنای خوف و "انذار" به معنای ترساندن است [4].

در آیه ۱۱ پس "إِنَّمَا تُنذِرُ مَنِ اتَّبَعَ الذِّكْرَ وَ حَشِيَ الرَّحْمَنَ بِالْغَيْبِ فَبَشَّرَهُ بِمَغْفِرَةٍ وَأَجْرٍ كَرِيمٍ" مراد از "انذار" انذار مفید و موثر است و معنای آیه این است که "تو تنها کسی را انذار می‌کنی و یا انذار تنها در کسی نافع و موثر است که تابع قرآن باشد و چون آیات قرآن تلاوت می‌شود، دلش متمایل بدان می‌شود و از رحمان خشبیتی دارد آمیخته با رجاء، پس تو او را به آموزشی عظیم و اجری کریم بشارت ده که با هیچ مقیاسی اندازه‌گیری نمی‌شود" [6]. این آیه ضمن اینکه نشان می‌دهد در قدم اول برای تذکر انذار صورت می‌گیرد و بعد بشارت برای کسی که واجد ویژگی خاصی شده است، رمز مشخصی را برای تاثیرگذاری تذکر مشخص می‌کند و در واقع کسانی هستند که طبق آیه ۱۰ سوره یس "و سَوَاءٌ عَلَيْهِمْ أُنذِرْتَهُمْ أَمْ لَمْ تُنذِرْهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ"، انذار و عدم انذار آنها تفاوتی ندارد و جزء گروه غافلین محسوب می‌شوند (الَّذِينَ يَذْكُرُونَ اللَّهَ قِيَامًا وَقُعُودًا وَعَلَىٰ جُنُوبِهِمْ وَيَتَفَكَّرُونَ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَاطِلًا سُبْحَانَكَ فَقِنَا عَذَابَ النَّارِ: آل عمران، ۱۹۱).

جهت تذکر مخاطب از طریق انذار، ابزارهای مختلفی در قرآن برای تاثیر انذار در انسان‌ها بیان شده که به مواردی از آنها که کاربرد معماری داشته، اشاره می‌شود:

صراحت و بیان روشن: از آنجا که قرآن کریم در انذار به‌دنبال تاثیرگذاری در مخاطب است، باید برای مخاطب و منذر قابل فهم باشد. بنابراین از آن به مبین تعبیر می‌کند که در آیات متعددی بدان اشاره شده است (یعنی به زبان عامیانه و قابل فهم نه به بیان فلسفی و پیچیده). بیان صریح و قابل فهم در قالب مفاهیم خوانایی و سادگی در فضای معماری مطرح می‌شود. به‌طور کلی می‌توان گفت که مفهوم خوانایی، درک ساده، سریع و روشن از فضاهاست و هر چقدر ادراک محیط، سهل‌تر و ساده‌تر انجام شود به میزان خوانایی فضا افزوده می‌شود. به عبارت دیگر خوانایی در یک طیف حداقل تا حداکثر قرار می‌گیرد که توجه هر چه بیشتر به عوامل تشکیل‌دهنده آن می‌تواند بر افزایش سطح آن موثر واقع شود و به قول *ایان بنتلی* [25] می‌توان از طریق خواناکردن محیط، تصاویر ثابت و مناسبی را در اذهان افراد به وجود آورد و تصورات و تداعی معناها از محیط جزء لاینفک ادراک محیطی در ارتباط انسان با محیط است. سادگی نیز وجود حداقل اجزا محیطی برای درک

است. سومین نظریه مربوط به حکمای اسلامی است که اعتقاد به فطرت دارند و می‌گویند "انسان بعضی چیزها را بالفطره می‌داند که آنها البته کم هستند. اصول تفکر انسانی که اصول مشترک تفکرات همه انسان‌ها است اصولی فطری و فروع و شاخه‌های تفکرات، اکتسابی هستند".

شیوه‌های ذکر در ارتباط با فضای متذکر

رابطه ذکر با آثار انسانی (فضای متذکر) از جنبه‌های مختلف قابل بررسی است که به سه صورت رابطه ذکر با طراح، مخاطب و موضوع مطرح شده و موارد آن بیان شده است [16]. در پژوهش حاضر به رابطه ذکر با مخاطب پرداخته شد که در بخش زیر آورده شده است:

رابطه ذکر با مخاطب: از مقایسه آیاتی که پیامبر خاتم را فقط تذکردهنده خوانده و آیات زیادی که او را بشیر و نذیر معرفی می‌کند، چنین استنباط می‌شود که به‌طور کلی می‌توان دو شیوه بشیر و نذیر را در رابطه ذکر با مخاطب در قرآن مطرح کرد که در برخی آیات با یکدیگر و در برخی به‌طور مجزا مطرح شده است. به عبارت دیگر شیوه تذکر دادن پیامبر^(ص) به مخاطب از طریق بشارت و انذار صورت می‌گرفت. البته باید گفت که شیوه انذار به‌ویژه در مراحل اولیه تبلیغ بیشتر از بشارت صورت گرفته است [21].

دامنه بشارت و انذار در رابطه با تذکر

با بررسی اولیه به نظر می‌رسد فرآیندی برای بشارت و انذار در قرآن کریم برای متذکرشدن افراد و هدایت آنها قابل تعریف است. قرآن کریم نسبت به جامعه بشری بشیر و نذیر است و در آیاتی چند این دو عنوان با هم آمده، اما در برخی آیات، خداوند هدف نزول را تنها انذار خوانده است (تنزیل العزیز الرحیم لتنذر قوماً ما أنذر آبأوهم فهم غافلون؛ سوره یس آیات ۵ و ۶). این نشانگر نقش اساسی انذار در هدایت انسان‌ها است [22]. همچنین رسول اکرم^(ص) را بشیر، نذیر، مبشر و منذر معرفی کرد اما "حصر" را تنها در مورد انذار به کار برد (إِن أَنْتَ إِلَّا نَذِيرٌ؛ فاطر ۲۳، إِنَّمَا أَنْتَ مُنذِرٌ وَلِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ؛ رعد ۷ و ۸) و انذار (إِنَّمَا أَنْتَ مُنذِرٌ؛ شعرا ۱۱۵) این حصر نسبی، برای آن است که تاثیر انذار بیش از تبشیر است [23].

از طرفی رسالت جهان شمولی خاتم انبیا^(ص) از لحاظ قرآن کریم، یک "تذکره" است؛ یعنی در عین حال که برای تعلیم و تزکیه است و تبشیر و انذار را در برابر طاعت و عصیان دارد، ولی به‌عنوان یادآوری مطرح است (کَلَّا إِنَّهُ تَذَكَّرٌ؛ مذكر ۵۴، فَمَنْ شَاءَ ذَكَرْهُ؛ عبس ۱۲، إِنْ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْعَالَمِينَ؛ انعام ۹۰، وَ مَا هِيَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْبَشَرِ؛ مذكر ۳۱). چنان که خاتم انبیا^(ص) نیز به‌عنوان "مذکر" و "یادآور" معرفی شده است (فَذَكَرْ إِنَّمَا أَنْتَ مُذَكَّرٌ؛ غاشیه ۲۱) پس رسالت یک "تذکر" است [24].

تعبیر حصر تنها درباره منذر و مذکور بودن آن حضرت آمده که نشان‌دهنده اهمیت تذکره مانند انذار است.

البته خطاب قرآن کریم به افراد مختلف با عنوان‌های متفاوتی صورت گرفته و نوع خاصی از بشارت و انذار در مورد هر گروه مخاطب صورت گرفته است. به‌عنوان مثال گروه صالحین و عابدین مطابق آیات ۱۱۲ صافات و ۱۷ زمر، فقط مورد بشارت قرار گرفته‌اند اما گروه مومنین هم مورد بشارت و انذار قرار گرفته (آیات ۱۸۸ اعراف، ۲ کهف و غیره) و هم فقط مورد بشارت بوده‌اند (آیات ۱۲ حدید، ۲ یونس و غیره). این موضوع در فرآیندی از انذار تا بشارت قابل تقسیم است که در ادامه به شرح آن پرداخته و مفاهیم معادل معماری برای آن تعریف شده است (شکل ۲).

تامل و تفکر: در سوره ملک آیه ۱۰، دوزخیان در برابر این سؤال که آیا انذاردهنده‌ای برای شما نیامد؟ می‌گویند "لو كنا نسمع او نعقل ما كنا فی اصحاب السعیر؛ اگر ما حق را می‌شنیدیم یا خود تعقل می‌کردیم امروز از دوزخیان نبودیم". یعنی لازمه تاثیر انذار، تعقل و تفکر است که بعد از آن موجب تذکر می‌شود. به همین صورت در آیه "إِنَّ فِي ذَلِكَ لَذِكْرٍ لِمَنْ كَانَ لَهُ قَلْبٌ أَوْ أَلْقَى السَّمْعَ وَهُوَ شَهِيدٌ؛ ق ۳۷، دو گروه صاحب‌دل و مستمع حاضر و شونده شاهد به‌عنوان استفاده‌کنندگان از تذکره الهی معرفی شده‌اند. در این آیه قلب در کنار شنیدن مطرح شده است، پس مراد از قلب همان عقل است [30]. به عبارتی متذکرشدن از طریق قوه تعقل (عقل محض) یا به‌کارگیری تمامی حواس (در اینجا شنیدن و دیدن به‌عنوان نماینده تمام حواس ذکر شده است) [30] صورت می‌گیرد. در یک آیه دیگر (آل عمران ۱۹۱) در بیان اوصاف اولوالالباب، آنها را ذاکر در همه احوال معرفی کرده که با حالت متذکر در خلقت آسمان‌ها و زمین تفکر می‌کنند، این تفکر عمیق است که نتیجه آن رسیدن به حقیقت است.

از بررسی این آیات روشن می‌شود که تامل و تفکر به‌عنوان یکی از اهداف انذار، لازمه رسیدن به تذکر است و تذکر به عمق تعقل و تدبیر می‌افزاید و برای تعمیق ارتباط باید تمام حواس به کمک یکدیگر آیند تا با باطن ارتباط ایجاد شود [31]. البته ذکر این نکته لازم است که در قرآن ایجاد تفکر و تعقل از طریق بشارت (به‌ویژه بشارت مادی) نیز انجام شده ولی به دلیل غالب بودن انذار، این موضوع جزء موارد انذار دسته‌بندی شده است. حال اگر فضایی بتواند تفکر و تامل در افراد را برانگیزد و آنها را به تعقل وادارد، اولین سطح تذکر ایجاد شده است. این موضوع در معماری اسلامی از طریق نظم و هندسه در سه قالب فرم، عملکرد و معنا در فضاها به نمایش در آمده است. با ایجاد فضاهای واسطه، پیش‌فضاها و همچنین هندسه فرم در هر سه بعد (کف، سقف و بدنه) آمادگی تفکر در فرد ایجاد شده و در سلسله مراتبی از سطوح مختلف عملکردی (از ساده تا پیچیده) و نیز معنایپردازی در قالب نظم و هندسه (مانند مربع نماد زمین و دایره نماد آسمان) و غیره، تفکر و تامل انسان در فضا بیشتر شده و انسان را با خود همراه می‌کند، به‌طوری که برخلاف معماری مدرن که انسان در آن رها شده و به سیالیت فضا اهمیت می‌دهد، فضای معماری اسلامی مرزبندی شده (اصل قلمرو) و دعوت‌کننده به درون فضا است. انسان در این فضا با تفکر و تامل قدم برمی‌دارد و در عبور از فضاهای ارزشمند بر آگاهی او افزوده، متذکر شده و از تمام حواس خود در شناسایی فضا بهره می‌گیرد. شاید بتوان گفت به همین دلیل به نصب حفاظ و جان‌پناه در لبه بلندی‌ها و گودال باغچه‌ها (مانند مسجد آقا بزرگ کاشان) نیازی احساس نمی‌شد.

حرکت به سوی تعالی

آیه ۲۹ سوره احقاف "وَ إِذْ صَرَفْنَا إِلَيْكَ نَفْرًا مِّنَ الْجِنَّ يَشْتَمِعُونَ الْقُرْآنَ فَلَمَّا حَضَرُوهُ قَالُوا أَنصَبُوا لِمَا قُصِيَ وَلَوْ إِلَى قَوْمِهِمْ مُنْذِرِينَ" حرکت انذاردهنده‌ای از جنیان را پس از شناخت حقیقت مطرح می‌کند. یعنی پس از تفکر، شناخت و آگاهی حرکت لازم است. در آیه ۵۰ "فَقَرُّوا إِلَى اللَّهِ إِنِّي لَكُمْ مِنْهُ نَذِيرٌ مُّبِينٌ" ذاریات این حرکت به سوی خداوند و به‌صورت متعالی و با شتاب تعریف شده است. در آیات دیگری مانند ۷۳ یونس "فَكَذَّبُوهُ فَجَبْنَاوَهُ وَ مَنْ مَعَهُ فِي الْفُلْكِ وَ جَعَلْنَاهُمْ خَلَائِفَ وَ أَعْرَفْنَا الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا فَانظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُنْذِرِينَ" و ۷۳ صافات "فَانظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ

یک فضا محسوب می‌شود. بنابراین هر چه اطلاعات اضافی و غیرضروری در محیط حذف شود، ادراک راحت‌تر صورت می‌گیرد [26].

آگاهی‌دادن و ایجاد انگیزه

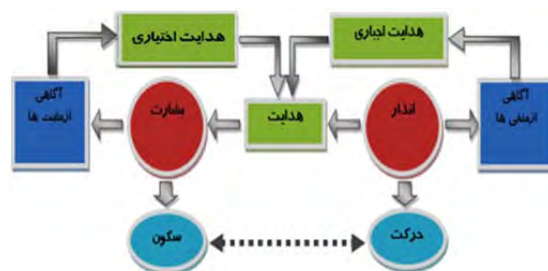
در کارگفت انذار تلاش در آگاه‌کردن مخاطب و ایجاد انگیزه در او برای تغییر مسیر در سایه عقلانیت و اختیار برای سوق‌دادن انسان به راه حق علاوه بر آگاهی است، انگیزه نیز لازم است زیرا تا زمانی که انسان به کار خیر گرایش نداشته باشد، در مسیر درست قدم بر نمی‌دارد و این مهم در سایه انذار به دست می‌آید [27]. نظریه کارگفت (Speech act) را نخستین بار جان لانگشاو آستین یکی از فیلسوفان مکتب آکسفورد معرفی کرد. او معتقد بود که کاربرد اصلی زبان اطلاعی نیست بلکه کنشی است و در فرد واکنش ایجاد می‌کند.

باید گفت که هدف از انذار آگاهی‌بخشیدن و نه صرف ترساندن مخاطب است. بنابراین تنها متعلق آن چیزی ترسناک است؛ ترسی که در پس آن آگاهی و متنبه‌کردن گنجانده شده است [28].

قرآن کریم ترس از عذاب آخرت و در مجموع ترس از قیامت را عامل مهمی در تاثیر تذکر در انسان می‌داند و در آیاتی بدان اشاره می‌کند از جمله آیه ۱۹ زمزل "إِنَّ هَذِهِ تَذْكِرَةٌ فَمَنْ شَاءَ اتَّخَذْ إِلَى رَبِّهِ سَبِيلًا؛ زمزل ۱۹" و آیه ۴۵ قمری "وَ مَا أَنْتَ عَلَيْهِمْ بِجَبَّارٍ فَذَكَرْ بِالْقُرْآنِ مَنْ يَخَافُ وَعَبِيدٌ" و همچنین آیه ۱۱ سوره یس، که در این آیات ترس از قیامت و خداوند در خلوت مطرح شده است. در روایتی از امام صادق (ع) بالاترین تسبیح خدا، گناه‌نکردن در خلوت به دلیل ترس از خدا بیان شده است. حتی کسانی که در مراتب بالایی از بندگی قرار دارند که حتی تجارت و بیع آنها را از یاد خدا غافل نمی‌کند، مطابق آیه ۳۷ سوره نور "رَجَالٌ لَا تُلْهِهِمْ تِجَارَةٌ وَ لَا بَيْعٌ عَن ذِكْرِ اللَّهِ وَ إِقَامِ الصَّلَاةِ وَ إِيتَاءِ الزَّكَاةِ يَخَافُونَ يَوْمًا تَتَقَلَّبُ فِيهِ الْقُلُوبُ وَ الْأَبْصَارُ" عاملی که مانع فراموشی یاد خدا در آنها شده، ترس از روز قیامت است.

بنابراین در تحقق کارگفت انذار شرایط چنان است که انگیزه لازم برای دوری از خطر در مخاطب به وجود آید و سپس سر بر اطاعت گذارد. کارگفت انذار با ظرافتی خاص مکانیزمی بازدارنده در مخاطب ایجاد می‌کند به‌نحوی که رعب و وحشت در مخاطب به وجود نیاید و مخاطب به مرز نفرت و بی‌زاری نرسد بلکه با صرف ایجاد آگاهی و دانایی در مخاطب نسبت به خطرات و تهدیدات آینده، زمینه اجتناب از یک عمل را در وی ایجاد کند [29].

مطلب قابل ذکر این است که انذار در تقابل با بشارت (آگاهی از موارد مثبت)، آگاهی‌دادن از موارد منفی (مانند جهنم، عذاب، تنگی معیشت و غیره) بوده و همه موارد انذار قبل از هدایت انسان است. این موضوع در معماری شامل محدودیت‌ها و هدایت اجباری در یک مسیر و تامین امنیت (آگاهی از خطرات) و غیره می‌باشد (شکل ۳).



شکل ۳ کاربرد بشارت و انذار در رابطه با هدایت (نگارندگان)

تمایل به حرکت در درون فضا به وجود آمده و میل به حرکت به طرف مرکز فضا تشدید می‌شود که این دربرگیرنده حس دعوت‌کنندگی فضا است. تهی‌کردن مرکز فضا و همچنین عظمت‌بخشیدن به فضای مرکزی، ضمن دعوت از انسان به درون فضا، نوعی احترام و بزرگ‌منشی را به او القا می‌نماید. گویا که حضور او در فضا به‌عنوان هدف (البته هدف اولیه) مطرح است و در سطحی بالاتر به هدف از حضور او در این عالم و در واقع اشاره به حس حضور الهی دارد. در معماری اسلامی با کاربرد اعداد فرد در تعداد رواق‌ها (گشایش فضایی) و برجسته‌کردن فضای مرکزی به این امر پرداخته شده است به‌طوری که مرکز فضا همیشه از عناصر مادی (ستون، جرز دیوار و غیره) خالی بوده و محلی برای حضور انسان است.

هدایت و آگاهی: سطح بعدی بشارت پس از هدایت صورت می‌گیرد. بشارت در اینجا از طریق آگاهی‌دادن به نکات مثبت مسیر هدایت صورت می‌گیرد و در واقع نوعی هدایت تشویقی برای طی‌کردن مسیر است.

آیات ۸۹ و ۱۰۲ نحل، ۲ نمل و ۹۷ بقره همگی به بشارت بعد از هدایت اشاره دارند و آیه ۸۷ یونس ساختن خانه‌ها رو به قبله و جهت‌گیری رو به سوی خدا را مایه بشارت مومنین مطرح می‌کند. بر این اساس جهت‌یابی و هدایت در فضا به‌ویژه هدایت به جهت ارزشمند (مانند قبله) نوعی بشارت در فضا محسوب می‌شود. این موضوع در مساجد معماری اسلامی کاملاً نمایان بوده و اصل محوربندی را در معماری به همراه دارد. با توجه به این که تشخیص موقعیت مکانی در هر لحظه، از ضروریات ادراک محیطی است و این مفهوم جهت‌یابی یا هدایت در فضا را نمایان می‌سازد [33]، می‌توان گفت در این مرحله انذار نیز با بشارت همراه شده و به شناسایی فضا از طریق آگاهی‌دادن به امور مثبت (بشارت) و امور منفی (انذار) می‌پردازد.

فرح و نشاط: این موضوع نیز مانند تقسیم‌بندی بشارت به امور مادی و معنوی، قابل تفکیک است و مراتبی متنظر با ساحت‌های حیات انسان (جسمانی، نفسانی، روحانی) می‌توان برای آن قایل شد که به‌ترتیب براساس آیات قرآن با سه واژه فرح، سرور و بهجت مطرح شده است [34]. حرکت از نشاط جسمانی به طرف نشاط روحانی، آستانه خروج از انذار و ورود به بشارت است. وجود آب‌نما در وسط حیاط مسجد مصداقی از نشاط و طراوت جسمانی و نفسانی بوده و به نظر می‌رسد که تلاشی برای به تصویرکشیدن بهشت مجازی از طریق تزیینات کاشی‌کاری، برانگیختن نشاط روحانی باشد.

آرامش: بالاترین مرتبه بشارت (در دنیا) رسیدن به اطمینان قلبی و آرامش است. این موضوع در آیات (۱۰ انفال و ۱۲۶ آل عمران) مطرح شده که بشارت امداد و پیروزی، وسیله‌ای برای مطمئن‌کردن قلب‌های مجاهدان مومن است. البته اطمینان قلبی دارای مراتبی است که بر حسب درجه ایمان شخص، مرتبه‌ای از آن به او می‌رسد [35]. بر این اساس می‌توان گفت در این بشارت، انذار راه نداشته و تمام مراتب فرح و نشاط را نیز به همراه دارد. به عبارت دیگر سکینه و آرامش قلبی، می‌تواند مراتب مختلف نشاط به‌ویژه مرتبه روحانی را به‌دنبال داشته باشد. در این مرحله فضا به سکون و آرامش دست یافته و این غایت هدف معماری است.

تجزیه و تحلیل معماری

همان‌طور که ذکر شد مواردی از انذار و بشارت در قرآن برای متذکرکردن افراد در سطوح مختلف بیان شده است که تا حدی قابل

المُنذِرِينَ" نگاه به عاقبت اندازشدگان، به‌عنوان مایه عبرت‌گرفتن انسان مطرح شده که خود کلمه عبرت به معنی عبور از مطلبی با تفکر و اندیشه است. بنابراین می‌توان گفت حرکت به سوی تعالی در انذار، پس از تفکر و شناسایی اولیه فضا صورت می‌گیرد و صراحت بیان در فضا (خوانایی و سادگی) به عمق این شناخت می‌افزاید. بدین‌ترتیب مراحل مختلف انذار (چهار مورد مطرح شده) اغلب در فضاهای حرکتی کاربرد داشته و در طی مسیر با بشارت درهم می‌آمیزد تا در نهایت بشارت در فضا غالب شود، البته لازم به ذکر است که حرکت به سوی تعالی، نشاطی را در انسان ایجاد می‌کند که نشان‌دهنده ورود به آستانه بشارت است.

براساس آرای فلاسفه ایرانی از جمله غزالی، حواس ظاهر (پنج‌گانه) و حواس باطن (خیال، حس مشترک، تفکر، تحفظ و تذکر) در زمره لشکریان دل قرار می‌گیرند و از دیدگاه او خیال، ادراک صور در نفس پس از رویت چیزی است و خیال انسان قادر به حصول عالمی سراسر حسن و زیبایی فراسوی عالم عادی است [32]. بر این اساس می‌توان گفت که در فضاهای معماری حرکت دیگری در ذهن انسان شکل می‌گیرد که از خیال نشات گرفته و عاملی برای درک زیبایی است. بنابراین حرکت مفهومی، حرکتی است که بر احساس ناظر به هنگام درک فضا موثر است و معنایی را در ذهن به هنگام حرکت در فضا القا می‌کند. به‌عنوان مثال انواع حرکت‌هایی که در نماها برای رسیدن به حرکت عمودی رو به بالا اتفاق می‌افتد در مجموع می‌تواند این حس را ایجاد کند، البته مفهوم شفافیت (سبکی) دستیابی به این حرکت مفهومی را آسان‌تر می‌کند.

بشارت و رابطه آن با تذکر

بشارت در عرف عام به‌معنای گزارش مسرت‌بخش است، لیکن در قرآن کریم بر خبر حزن‌انگیز نیز اطلاق شده است، مانند آیه ۲۱ سوره آل عمران "فبشّرهم بعذاب آلیم" زیرا بشارت به‌معنای خبری است که در بشّره (پوست چهره) اثر می‌گذارد، خواه مسرت‌بخش یا حزن‌انگیز باشد [22]. همانند انذار، برای تذکر مخاطب از طریق بشارت نیز مواردی برای به‌کاربردن در فضای معماری به شرح زیر قابل بیان است:

دعوت‌کنندگی: قرآن کریم در مواردی به امور مادی و معنوی بشارت داده است. بشارت به طبیعت و عوامل آن مانند باد و باران در آیاتی چند (۶۳ نمل) "أَمَّنْ يَهْدِيكُمْ فِي ظُلُمَاتِ اللَّيْلِ وَالْبَحْرِ وَمَنْ يُزِيلِ الرِّيحَ بُشْرًا بَيْنَ يَدَيْ رَحْمَتِهِ أَلَيْهَ مَعَالَى اللَّهُ عَمَّا يُشْرِكُونَ"، (۴۸ فرقان، ۴۸ رم، ۵۷ اعراف و غیره) اشاره شده است. به نظر می‌رسد بشارت‌های مادی قبل از هدایت انسان و در کنار اندازها مطرح شده است که می‌تواند برای ایجاد انگیزه اولیه و دعوت‌کننده باشد، اما پس از هدایت انسان و قرارگرفتن در مسیر حق، بشارت‌ها اغلب رنگ معنوی به خود گرفته است البته این بشارت‌ها در دنیا و آخرت مطرح بوده (۶۴ یونس؛ لَهُمُ الْبُشْرَى فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ فِي الْآخِرَةِ لَا تَبْدِيلَ لِكَلِمَاتِ اللَّهِ ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ) که در دنیا شامل عدم حزن و اندوه شده و در آخرت شامل رحمت و رضوان الهی است (۲۱ توبه؛ يَبْشُرُهُمْ رَبُّهُمْ بِرَحْمَةٍ مِنْهُ وَ رِضْوَانٍ وَ جَنَّاتٍ لَهُمْ فِيهَا نَعِيمٌ مُّقِيمٌ). لازم به ذکر است که مطرح‌کردن ویژگی‌های مادی بهشت نیز برای محسوس‌کردن امری معقول است تا مورد ادراک انسان‌ها قرار گیرد. بنابراین مراتبی برای ذکر قابل تعریف است که برای افراد مختلف، نوع بشارت تغییر کرده است.

در فضای معماری اسلامی از طریق توجه به مرکزیت فضا و تمرکزگرایی با استفاده از محور عمودی تقارن به‌ویژه در مساجد،

تجلی ذکر در فضای معماری اسلامی- ایرانی از طریق بشارت و انذار؛ نمونه موردی: مساجد معماری اسلامی ایران ۷۷

دعوت کردن فضا به درون خود، هدایت ناظر در فضا صورت می‌گیرد (فضای بشارت و انذار)، مرحله سوم با عبور از فضاهای حرکتی و ورود به فضاهای ساکن آغاز شده و فرح و نشاط از طرق مختلف (آب، نور، گل و گیاه، تزیینات و غیره) ایجاد شده و فضا به آرامش لازم دست می‌یابد (فضای بشارت). این آرامش در فضا تا حدودی می‌تواند در انسان خودآگاهی و حس حضور ایجاد کند (شکل ۴). در ادامه نمونه‌ای از راهکارها و مصادیق معماری آمده است (جدول‌های ۱ و ۲؛ شکل‌های ۵ و ۶).

تطبیق با بعضی از مفاهیم فضای معماری است. با توجه به اینکه فضای معماری ترکیبی از فضای حرکت و سکون است، به نظر می‌رسد فضاهای حرکتی بیشتر شامل موارد انذار بوده و فضاهایی که سکون بیشتری دارند، موارد بشارت در آنها نمود بهتری دارد. با تقسیم‌بندی فضا به سه مرحله که مرحله اول در هنگام ورود به فضا رخ داده که جهت‌یابی اولیه صورت می‌گیرد و مفاهیم خوانایی و سادگی به تشخیص موقعیت ناظر کمک می‌کند (فضای انذار)، مرحله دوم با شناسایی فضا و حرکت در آن آغاز شده و با

جدول ۱) راهکارها و مصادیق معماری در رابطه با انذار در فضای معماری (نگارندگان)

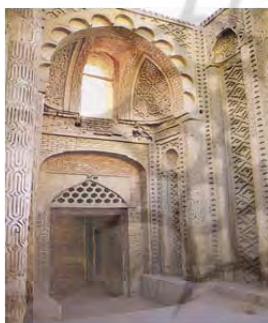
عوامل انذار	راهکار معماری	مصادیق معماری اسلامی
صراحت و بیان روشن	خوانایی و سادگی (سادگی ادراک فضا از طریق تقارن و محوربندی)	مسجد حکیم اصفهان
آگاهی و ایجاد انگیزه	هدایت و جهت‌یابی (آگاهی از غروب خورشید از طریق سایه رواق‌ها و مفهوم انذار غروب)	مسجد حکیم اصفهان
تامل و تفکر	شناسایی فضا (ایجاد تفکر از طریق نظم و هندسه و همچنین تقارن)	مسجد آقابزرگ کاشان
حرکت به سوی تعالی	حرکت در فضا (حرکت از تاریکی به روشنایی احساس حرکت متعالی)	مسجد جامع اصفهان

جدول ۲) راهکارها و مصادیق معماری در رابطه با بشارت در فضای معماری (نگارندگان)

عوامل بشارت	راهکار معماری	مصادیق معماری اسلامی
دعوت کنندگی	دعوت به درون فضا با ایجاد حس احترام به انسان	ورودی مسجد حکیم اصفهان
هدایت و آگاهی	هدایت تشویقی از طریق نورهای کنترل شده و با فاصله‌های منظم	مسجد شیخ لطف‌الله اصفهان
فرح و نشاط	نشاط حاصل از نورهای رنگی و کاشی‌های هفت‌رنگ	مسجد نصیرالملک شیراز
آرامش	هدایت نور از بالا (ارزش معنوی) و تزیینات کنایه از بهشت معنوی	مسجد شیخ لطف‌الله اصفهان



مسجد شیخ لطف‌الله اصفهان



ورودی مسجد حکیم اصفهان



مسجد شیخ لطف‌الله اصفهان



مسجد نصیرالملک شیراز



شکل ۴) فرآیند بشارت و انذار در ایجاد حس حضور (نگارندگان)

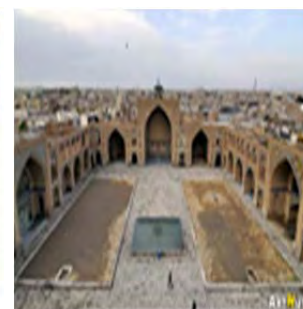
شکل ۶) مصادیق معماری اسلامی در رابطه با بشارت در فضای معماری

محدودیت‌های پژوهش حاضر شامل عدم بررسی جامع مصادیق‌های معماری اسلامی در خصوص فضای بشارت و انذار و مطالعه تطبیقی آنها بوده است.

راهکارها و مصادیق‌های مطرح شده برای هر مفهوم در معماری اسلامی ایران، به‌صورت نمونه بوده و موارد بیشتری می‌تواند در



مسجد حکیم اصفهان



مسجد حکیم اصفهان

شکل ۵) مصادیق معماری در رابطه با انذار در فضای معماری

- 8- Naghizadeh M. Islamic urban planning and architecture (The pretical bases). Isfahan: Rahian; 2006. p. 487 [Persian]
- 9- Masaely S. Hidden map, achievement of religious beliefs in architecture, analysis of the influence of Islamic thinking on traditional iranian desert housing: An example, Kerman [Dissertation]. Tehran: University of Tehran; 2007. [Persian]
- 10- Lang J. Creating architectural theory: The role of the behavioral sciences in environmental design. Eynifar AR, translator. Tehran: University of Tehran; 2012. [Persian]
- 11- Festinger L. A theory of cognitive dissonance. Evanston: Row Peterson; 1957.
- 12- Brehm JW, Cohen AR. Exploration in cognitive dissonance. Hoboken: John Wiley & Sons; 1962.
- 13- Gibson JJ. The ecological approach to visual perception. Boston: Houghton Mifflin; 1979.
- 14- Motalebi Esfidvajani Gh. A theory of meaning in architecture and urban design: An ecological approach. Sydney: University of New South Wales; 1998.
- 15- Motalebi Gh. Environmental psychology, new knowledge in the service of architecture and urban design. Honar-Ha-Ye Ziba. 2002;10(0):52-67. [Persian]
- 16- Naghizadeh M. The sense of presence is the most desirable result of human communication with the environment. Iranian architectural studies. 2012;1(2):27-46. [Persian]
- 17- Audi R. The Cambridge dictionary of philosophy. Cambridge: Cambridge University Press. 1999. p. 398.
- 18- Honderich T, editor. The Oxford companion to philosophy. Oxford: OUP Oxford; 2005. p. 405.
- 19- Coomaraswamy A. Introduction to Indian art. Zekrgoo AH, translator. Tehran: Roozaneh; 2003. [Persian]
- 20- Motahhari M. Fitra. Tehran: Sadra; 2000. [Persian]
- 21- Javadi Amoli A. Tasnim: Commentary of the noble Quran. 2nd Volume. 6th Edition. Qom: Asra'; 2010. [Persian]
- 22- Javadi Amoli A. Guidance in Quran. . 16th Volume. 2th Edition. Qom: Asra'; 2005. [Persian]
- 23- Javadi Amoli A. Life of Prophet (s) in Quran. 9th Volume. 7th Edition. Qom: Asra'; 2008. [Persian]
- 24- Javadi Amoli A. Head spring of thought the Quranic prefaces. 1st Volume. 3rd Edition. Qom: Asra'; 2007. [Persian]
- 25- Bentley I. Responsive environments: A manual for designers. Behzadfar M, translator. Tehran: Iran University of Science and Technology; 2003. [Persian]
- 26- Naghizadeh M. Analyzing and designing urban spaces. Isfahan: Rahian; 2016. [Persian]
- 27- Hooshangi L, Sharafi L. Gospel and warn in Quran and Old Testament according to Isaiah's book. Minhaj. 2010;6(11):99-126. [Persian]
- 28- Motahhari M. Introduction to the Quran. 1st Volume. 20th Edition. Tehran: Sadra; 2001. [Persian]
- 29- Delafkar AR, Saneepoor MH, Zandi B, Arjmandfar M. The analysis of the structure of the speech act of warning in the Holy Quran. Linguist Res Holy Quran. 2014;3(1):39-60. [Persian]
- 30- Javadi Amoli A. The Holy Quran in the eyeys of Imam Reza (AS). 7th Edition. Karbalaee Z, translator. Qom: Asra'; 2010. p. 76-77 [Persian]
- 31- Ardalan N, Bakhtiyar L. The sense of unity: The Sufi tradition in Persian architecture. Shahrokh H, translator. Isfahan: Nashre Khak; 2001. [Persian]
- 32- Bulkhari Qahi H. Imagination faculty and imaginal

چارچوب مفاهیم مذکور بیان و مورد استفاده طراحان قرار گیرد. با توجه به اینکه ذکر در قرآن مراتبی دارد و در حوزه عملیاتی نیز در طیفی از انذار و بشارت مطرح می‌شود به‌منظور دقیق‌کردن راهکارهای معماری از طریق مشاهده مصادیق معماری اسلامی ایران، می‌توان مراتب مختلفی را برای هر یک از مفاهیم در نظر گرفت که پیشنهاد می‌شود در پژوهش دیگری دنبال شود.

نتیجه‌گیری

سطوح مختلفی از بشارت و انذار وجود دارد و اهمیت انذار برای ایجاد تذکر بیشتر از بشارت است. در رابطه ذکر و مخاطب، می‌توان از طریق بشارت و انذار فضای متذکر را برای مخاطب به وجود آورد. به نظر می‌رسد با تقسیم سطوح تذکر در سه سطح، سطح اولیه شامل انذار، سطح دوم شامل بشارت و انذار و سطح سوم فقط مربوط به بشارت است که این موضوع در آیات قرآن با مخاطب‌های مختلف بیان شده است. از طرفی اگر فضای معماری را ترکیبی از حرکت و سکون بدانیم، انذار بیشتر در فضاهای حرکتی و بشارت غالباً در فضاهای سکون کاربرد دارد. بدین ترتیب فضای معماری می‌تواند از ابتدا تا انتها با طیفی از انذار تا بشارت با مفاهیم مطرح‌شده، طراحی شود تا در نهایت که به فضای آرامش و سکون می‌رسد، سطحی از احساس خودآگاهی و حس حضور برای مخاطب قابل ادراک باشد.

تشکر و قدردانی: موردی از سوی نویسندگان گزارش نشد.

تأییدیه اخلاقی: موردی از سوی نویسندگان گزارش نشد.

تعارض منافع: نویسندگان اعلام می‌دارند هیچ گونه تعارض منافی وجود ندارد.

سهم نویسندگان: موسی شاکری (نویسنده اول)، نگارنده مقاله/روش‌شناس/پژوهشگر اصلی (۷۰٪)؛ محمدرضا بمانیان (نویسنده دوم)، روش‌شناس/پژوهشگر کمکی (۲۰٪)؛ مجتبی انصاری (نویسنده سوم)، روش‌شناس/پژوهشگر کمکی (۱۰٪)

منابع مالی: مطالعه حاضر تحت هیچ گونه حمایت مالی نبوده است.

منابع

- 1- Naghizadeh M, Aminzadeh B. The relation between meaning and face in explaining of the art's basics. Honar-Ha-Ye Ziba. 2000;8(0):15-32. [Persian]
- 2- Al-Khalil Ibn Ahmad al-Farahidi. Al-'Ayn book (Kitab al-'Ayn). 1st Edition. Al-Makhzumi M, Al-Samerayi I, Al-Tayyeb A, editors. Qom: Osveh; 1993. p. 626. [Arabic]
- 3- Muhammad Ali Ibn Ali al-Tahanawi. Encyclopedia of the arts and sciences (Musu'a Kashshaf Istilahat al-Fununwa al-ulum). Beirut: Maktabah Lebanon; 1996. [Arabic]
- 4- Al-Raghib al-Isfahani. Vocabulary in the strange Quran (al-Mufradat fi Gharib al-Quran). Safwan Adnan Davoudi, editor. Damascus: Dar al-'Ilm, Al-Dar al-Shamiyya; 1996. [Arabic]
- 5- Morovati S, Saky S. The semantic of dhik'r (remembrance) in the Noble Quran. Quran Doctrin. 2013;(17):135-54. [Persian]
- 6- Tabataba'i SMH. The balance in interpretation of Quran (al-Mizan fi Tafsir al-Quran). Qom: Islami Publishers Office; 1995. p. 339 [Persian]
- 7- Javadi Amoli A. Tasnim. 7th Volume. 4th Edition. Qom: Asra'; 2000. [Persian]

34- Naghizadeh M. The city of vigilance, principles, methods, manifestations. Tehran: Islamic Azad University; 2013. [Persian]
35- Javadi Amoli A. Tasnim. 15th Volume. 1th Edition. Qom: Asra'; 2009. [Persian]

world in thoughts of Imam Muhammad Ghazali. Honar-Ha-Ye Ziba. 2006;1(26):5-12. [Persian]

33- Partovi P. Phenomenology of places: Principles and methodology [Dissertation]. Tehran: University of Tehran; 2003. [Persian]

